

نگاهی به؛

**حقوق شهروندی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۸/۳۰

یوسف رزاق پور\*

چکیده:

حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و قواعدی است که بر روابط اشخاص در یک جامعه کلان دولت - کشور حکومت می‌کند. و آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر و یا دولت یا قوای حاکم و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن برعهده حاکمیت است. واژه شهروند و حقوق شهروندی هر چند در فرهنگ حقوقی کشور ما سابقه طولانی ندارد ولی از نظر مفهومی پدیده نوظهوری نمی‌تواند تلقی شود. زیرا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین عادی کشورمان، به حقوق مردم تصریح شده است. حقوق شهروندی اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه در ۲۶ اوت ۱۷۸۹ م. مطرح شد. ماده اول اعلامیه مزبور بیان می‌دارد: «انسان‌ها، آزاد، زاده می‌شوند و آزاد زندگی می‌کنند و در حق برابرند».

**واژگان کلیدی:** حقوق شهروندی، حقوق بشر، کرامت انسانی، حقوق اساسی.

\* نویسنده مسئول؛ سردفتر دفتر اسناد رسمی شماره ۸۰ تهران، عضو هیئت تحریریه ماهنامه «کانون» و کارشناس ارشد حقوق عمومی.

## مقدمه:

موضوع حقوق شهروندی از مباحث بسیار مهم حقوق معاصر است. مفهوم و موضوع نوظهوری است که به‌طور ویژه به برتری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی و سیاسی و حقوقی جایگاه خاصی پیدا کرده است.

حقوق شهروندی بیش از هر چیز راجع به حقوقی می‌پردازد که هر فرد به‌عنوان تابع یک دولت از آن برخوردار است و مصادیق آن بسیار زیاد است و از برخورداری از مسکن و آموزش و بهداشت گرفته تا حقوقی از قبیل حق دادرسی عادلانه ادامه می‌یابد.

در این مقاله به بحث در مورد حقوقی مانند حقوق آزادی فردی، حقوق عمومی، عدالت و برابری که باید آن‌ها را در شمار حقوق شهروندی دانست یا این که این حقوق جنبه عمومی‌تری داشته و در همان مفهوم حقوق بشر قرار می‌گیرد، پرداخته شده است و سعی گردیده نگاهی گذرا به برخی مبانی نظری حقوق شهروندی داشته باشد و آن را هم از دید حقوق اساسی و مدنی کشورمان و نیز از دیدگاه نظام مهم حقوقی بین‌الملل و اسلام مورد بررسی قرار دهیم. حقوق شهروندی وقتی تحقق پیدا می‌کند که تمامی افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و شهروندان نیز به‌عنوان اعضای آن جامعه مسئولیت‌هایی را در راستای اداره بهتر و ایجاد نظم عهده‌دار شوند و شناخت این حقوق متقابل در ارتقای حقوق شهروندی و ایجاد یک جامعه براساس نظم و عدالت، نقش مؤثری دارد.

حقوق بشر ناظر به حقوق فطری انسان آزاد است و سلب‌ناپذیر و غیرقابل اسقاط است و تضمین این موهبت در جهت تأمین آزادی‌های اساسی انسان دارای اهمیت فوق‌العاده است.

اسلام نیز به‌عنوان یک دین فراگیر، به ابعاد زندگی بشر توجه نموده است و دستورهای صریح و شفافی برای روابط اجتماعی انسان‌ها به‌عنوان اشرف مخلوقات و ارزش حیات و زندگی آن‌ها و برابری بدون توجه به نژاد، رنگ پوست و ... دارد.

## تعریف:

از نظر لغوی، «شهروند» از شهر (city) ریشه می‌گیرد و «City» از واژه «لیویتاس» (livitas) مشتق است. شهر، تنها اجتماعی از ساکنین یک منطقه معین نیست بلکه مفهوم واحد سیاسی مستقلی را افاده می‌کند، به همین دلیل است که شهروند فقط به ساکن شهر گفته نمی‌شود بلکه معنای فراتر از آن را به همراه دارد. شهروند ضمن این که ساکن شهر است در سازمان‌دهی شهر و تدارک و تنظیم قواعد زندگی در شهر و تدوین قانون حاکم بر شهر و مملکت نیز مشارکت دارد.

شهروند، ترجمه فارسی «Citizen» است که به معنای بومی، شهری، اهل شهر و تابع تعریف شده است. شهروند مرکب از دو کلمه «شهر» به معنای جامعه انسانی و «وند» به معنای عضو وابسته به این جامعه است. شهروند کسی است که حقوق فردی و جمعی خود را می‌شناسد و از آن‌ها دفاع می‌کند، قانون را می‌شناسد و به آن عمل می‌کند و در امور شهر مشارکت دارد.

این کلمه در ادبیات حقوقی ما سابقه چندانی ندارد. در فرهنگ‌های عمومی فارسی واژه «شهروند» تعریف نشده است؛ فقط در «فرهنگ روز سخن» تألیف دکتر انوری به معنی «اهل یک شهر یا یک کشور»<sup>۱</sup> و در «فرهنگ فارسی امروز»<sup>۲</sup> شهروند را: «کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار می‌شود»، تعریف نموده است و در «فرهنگ علوم سیاسی»<sup>۳</sup> شهروند چنین تعریف شده است: «کسی که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است». واژه سیتی‌زن (Citizen) که ریشه رومی دارد در فارسی به «شهروند، تبعه، همشهری، هموطن، شارمند، شهرتاش، و انسان عضو اجتماع» ترجمه شده است. اگرچه شهروندی به عنوان مترادف کلمه «تبعه» نیز به کار می‌رود ولی این تفاوت را با تبعه دارد که شهروندی، خاص اشخاص حقیقی است و

۱. انوری، حسن، فرهنگ روز سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۳، ذیل واژه.

۲. ربک: صدری افشار، غلامحسین و دیگران، فرهنگ فارسی امروز، مؤسسه نشر کلمه، تهران، ۱۳۷۷.

۳. ربک: آقابخش، علی؛ افشاری، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، ج. اول، تهران، نشر چاپار، ۱۳۸۳.

برای اشخاص حقوقی چنین مفهوم و حقی متصور نمی‌باشد.

واژه شهروند یک بار اجتماعی دارد و یک بار حقوقی؛ یعنی محتوای شهروند از سویی به‌نحوه تعامل انسان در محیط اجتماعی بازمی‌گردد و از سویی، این حقوق در کنار سایر حقوق معنا پیدا می‌کند و لفظ شهروند اعم از حقوق شهروندی است و به مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات هر فرد اطلاق می‌شود. زیرا یکی از دلایل تعریف شهروند، وضع حقوق شهروندی و حفظ آزادی‌های هر فرد ساکن در جامعه است به‌نحوی که به آزادی‌های دیگران لطمه‌ای وارد نسازد که این امر مستلزم وضع وظایف و تعهدات در کنار هر حقوقی اعم از حقوق شهروندی است.<sup>۱</sup>

اعلامیه حقوق بشر و شهروندی مورخ ۲۶ اوت ۱۷۸۹ م. انقلاب فرانسه که با فردگرایی مشخص می‌شود و قوانین اساسی کشورهای جهان از آن الگو گرفتند، بشر را از شهروند جدا نمی‌کند و هر دو را مترادف همدیگر به کار می‌برد. مقصود اعلامیه از شهروند شهروندان، همه انسان‌ها و ابنای بشری است که در جامعه، ذاتاً دارای حقوقی هستند، غیرقابل انتقال، غیرقابل مرور زمان؛ و باید توسط حکومت محترم شمرده شود.

اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه، حاکمیت را متعلق به همه شهروندان از یک جامعه می‌شناسد و قانون را مظهر اراده عموم مردم و حامی آزادی همه آن‌ها می‌داند و بر این باور است که همه افراد شخصاً یا به توسط نمایندگان خود در وضع قانون شرکت کنند. و این قانون است که محدوده حقوق همه افراد را مشخص می‌نماید و قانون، نمی‌تواند و نباید مغایر حقوق طبیعی فرد باشد.<sup>۲</sup>

#### از نظر اصطلاحی؛

حقوق شهروندی یا آزادی‌های عمومی یا شهروندی، مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که فرد به‌عنوان تبعه یک دولت-کشور از آن برخوردار

۱. رضایی‌پور، آرزو، مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی، تهران، انتشارات آرمان، ص. ۲۰.

۲. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ. سوم،

۱۳۸۲، ص. ۱۰.

است و محور تضمین حقوق، قانون است که در جامعه‌ای، دولت موظف است به نمایندگی از اتباع خود، آن را به‌عنوان (حقوق ملت یا آزادی‌های عمومی) در چارچوب اعلامیه حقوق بشر تصویب کند و به‌موقع اجرا بگذارد و دولت-کشور چارچوبی است که در درون مرزهای آن حقوق اساسی جریان دارد. و در رابطه با آن است که کلیه مضامین مربوط به حقوق فرد در جامعه سیاسی معنی و مفهوم خود را آشکارا می‌نمایاند.<sup>۱</sup>

برای حقوق شهروندی تعاریف مختلفی ارائه شده است. مجموعه آزادی‌هایی که افراد یک جامعه از آن بهره‌مند هستند و اصطلاحاً حقوق و آزادی‌های فردی، حقوق عمومی شهروندان، حقوق بشر و شهروند می‌نامند.

فهرستی از حقوق بشر در اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل ذکر شده که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: حق حیات، آزادی، مسکن، برابری، عدالت و دادخواهی عادلانه، حفاظت در مقابل سوءاستفاده از قدرت، حفاظت در مقابل شکنجه.

حقوق شهروندی در کشورهای غربی زیرمجموعه علوم سیاسی قرار می‌گیرد و بیشتر ناظر به حقوق مشارکت شهروندان در اداره امور کشور است و ابعاد متفاوت آن را در برمی‌گیرد، از این‌رو به حقوق سیاسی و حقوق عمومی (به‌معنای اخص) نزدیک می‌شود. اما این معانی حقوق شهروندی را از حقوق بشر چندان جدا نمی‌کند و این دو مفهوم چنان مشابهت دارند که وجوه اشتراک‌شان، تمایز را مشکل می‌کند. برای تفکیک این دو می‌شود به چند محور اشاره کرد:

- دارنده حقوق بشر موجودی است که با عضویتش در جامعه انسانی به‌عنوان جهان‌وند از آن منتفع می‌شود در حالی که حقوق شهروندی متعلق به انسان‌هایی است که در یک دولت-کشور عضو می‌باشند.

- حقوق بشر، هر انسان، نهاد و اجتماع انسانی را مخاطب خود قرار می‌دهد و توصیه و فرمان می‌دهد. در حالی که حقوق شهروندی اجتماع یا افراد خاصی را در محدوده یک

۱. قاضی، ابوالفضل، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، ج. ۶، ص. ۱۲۲.

کشور خطاب می‌کند.

- مفاهیم حقوق بشر عموماً مابعدالطبیعه هستند؛ از این رو، کلی و دارای ابهام‌های اساسی‌اند. اما حقوق شهروندی از آن رو که مستقیماً با مردم و اجرا مواجه‌اند دارای ابهام نیستند، براساس همان مبانی حقوق ایجاد می‌شوند. دیدگاه دیگری هم بر عدم تفاوت بین حقوق بشر و شهروندی است. در این نظر، از حیث ماهوی تفاوتی با هم ندارند و به‌نظر می‌رسد که این دیدگاه در قوانین موضوعه ایران نیز جاری شده است.

برای روشن شدن مطلب، لازم است درخصوص اقسام حق فردی توضیح داده شود.

حق فردی را به سه گروه اصلی تقسیم کرده‌اند:

۱ - حقوق سیاسی: حق سیاسی، اختیاری است که شخص برای شرکت در قوای عمومی و سازمان‌های دولت دارد مانند حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مجالس قانون‌گذاری و پذیرفتن تابعیت.

۲ - حقوق عمومی: حق عمومی مربوط به شخصیت انسان و ناظر به روابط دولت و مردم است مانند حق حیات، آزادی وجدان و آزادی بیان. عنوان فصل سوم قانون اساسی ما درباره «حقوق ملت» ناظر به همین گروه است.

۳ - حقوق خصوصی: حق خصوصی، اختیاری است که هر شخص در برابر دیگران دارد مانند حق مالکیت، ابوت و بنوت، حق شفعه و حق انتفاع. در دو گروه نخست، حقوقی که به احترام و شخصیت انسان ارتباط دارد و در زمره ارزش‌ها درآمده، فراوان است و پاره‌ای از آن‌ها، چهره جهانی دارد.<sup>۱</sup>

#### حقوق شهروندی در اسلام

از نظر قرآن، انسان موجودی است برگزیده از جانب خداوند؛ خلیفه و جانشین او در زمین، نیمه‌ملکوتی و نیمه‌مادی، دارای فطرتی خداآشنا، آزاد، مستقل، امانت‌دار خدا و مسئول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان، ملهم به خیر و شر، وجودش از ضعف و ناتوانی شروع می‌شود و به‌سوی قوت و کمال سیر می‌کند؛ ظرفیت علمی و

۱. کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، تهران، نشر دادگستر، چ. اول، پاییز ۱۳۷۷، ص. ۳۸۱.

عملی‌اش، نامحدود است.

از دیدگاه اسلام، خداوند انسان را موجودی شریف و نمونه قرار داده و مزایایی به او بخشیده است که سایر موجودات از آن محروم‌اند.<sup>۱</sup>

یکی از امتیازات افراد، آزادی اراده توأم با مسئولیت است که به موجب آن می‌توانند سرنوشت خویش را رقم زنند و نتیجه کار خوب و بد خویش را ببینند.

آفریدگار جهان با همه سلطه و سیطره‌ای که بر همه موجودات دارد انسان را در حدود اختیارات که به او بخشیده مطلقاً ملزم به انجام کارها نساخته است، بلکه به وسیله امر و نهی و ارشاد و بیان عاقبت امور بدون سلب آزادی و استقلال وی، افعال و حرکات انسانی را تحت انضباط درآورده است.<sup>۲</sup>

در نزد اسلام، عقل و منطق از حقوق فطری انسان‌ها به‌شمار می‌رود تا با به‌کار انداختن آن، به حل و فصل مسایل زندگی خویش بپردازد.<sup>۳</sup> انسان دارای کرامت بالذات است. زیرا خداوند سبحان، بنی آدم را از ابتدای خلقت مورد تکریم قرار داده و با در اختیار قرار دادن خشکی و دریاها، روزی پاک مقرر داشته و بدین وسیله آنان را به بسیاری از موجودات برتری داده است. یکی از مهم‌ترین آموزه‌های وحیانی در اسلام، اثبات کرامت انسانی است؛ چرا که این امر انسان را از ارتکاب گناهان و تعدی به حقوق دیگران باز می‌دارد. در روایات اسلامی آمده است کسی که در وجود خود احساس کرامت می‌کند، آن را به گناه نمی‌آلاید.

حق آزادی، تعالی و کمال همگانی است. چرا که هماهنگی تشریح و تکوین طلب می‌کند که انسان‌ها بتوانند به غایت مطلوب از خلقت جهان - که همان کمال و تعالی است - دست یابند و این امر میسر نمی‌شود جز با اختیار و آزادی انسان‌ها در انتخاب راه و

۱. و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضّلناهم علی کثیر ممّن خلقنا تفضیلاً (اسراء / ۷۰).

۲. انا هدیناهُ السبیل ... (انسان / ۳۰)

۳. هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج. اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۹.

حرکت به سوی کمال.

با توجه به آنچه گفته شد، منشأ حقوق در اسلام یا فطرت است یا طبیعت. البته سهم این عناصر تکوین حقوق بشر به یک اندازه نیست و در تعارض میان این ریشه‌ها، فطرت دارای ارزش بالاتر است و هم اوست که انسان را به هدف غایی‌اش یعنی کمال رهنمون می‌شود.

### حقوق شهروندی در قانون اساسی

قانون اساسی، انتظام‌بخش کلیه امور و شئون هر کشور و تعیین‌کننده روابط متعادل زمامداران و فرمانبرداران یک جامعه سیاسی است. التزام عملی بر اجرای این قانون مهم، ابواب و منافذ استبداد را مسدود، آزادی و حرمت افراد را تضمین و موجبات تلاش برای نیل به عدالت سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌نماید.<sup>۱</sup>

حقوق اساسی، مجموعه اصول و قواعدی است که روابط حکومت را با مردم و هم‌چنین میزان اقتدار و وظایف و مسئولیت‌های دستگاه‌های سه‌گانه قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی و صاحبان مقامات عمده حکومت و ارتباط میان آن‌ها را معلوم و معین می‌کند.

برجسته‌ترین بخش این تعریف، یکی، روابط حکومت با مردم است و دیگری، ارتباط دستگاه‌های قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی است که بر پایه اصل تفکیک قوا، استوار می‌باشد.<sup>۲</sup>

قانون اساسی جمهوری اسلامی با تکیه بر جهان‌بینی و ایدئولوژی الهی و با شناخت ابعاد وجودی انسان، حقوقی را برای فرد برشمرده است و در آن، نهادهای حاکمیت، تعریف و حد و مرز اعمال آزادی ملت معین شده و نقطه تعامل بین حقوق ملت و دولت ترسیم گردیده است. اهمیت حقوق افراد جامعه یا حقوق شهروندان که اساساً حقی ذاتی است، تدوین‌کنندگان قانون اساسی را واداشته که از همان اصول اولیه قانون اساسی، حقوق

۱. همان، *حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی*، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴، ص. ۱۸۲.

۲. بوشهری، جعفر، *حقوق اساسی - اصول و قواعد*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴، ص. ۲۰.



شهروندان و حد و مرز آن‌ها را تبیین نماید و بازیابی هویت اصلی و حقوق انسانی، از اهداف برجسته و اساسی نظام اسلامی برشمرده شود. در اصل دوم بند ۶ پایه‌گذاری جمهوری اسلامی با احترام به «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» و بند ۷ اصل سوم «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» و همچنین در فصل سوم حقوق ملت از «اصل نوزدهم تا چهل و دوم» از تساوی مردم ایران از هر نژاد و قوم، از زن و مرد، مصونیت جان و مال، حقوق، مسکن و شغل آنان از تعرض؛ و از ممنوعیت تفتیش عقاید گرفته تا حق دادخواهی و منع شکنجه و هتک حرمت و حیثیت مردم و همچنین در اصول دیگر، مالکیت خصوصی در اصل ۴۶، حق مالکیت انسان بر سرنوشت خویش در اصل پنجاه و ششم، گسترش اجرای عدالت در اصل شصت و یکم و دیگر اصول، از مصادیق حقوق شهروندی ذکر شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران براساس حقوق مردم و همچنین برای جلوگیری از نقض حقوق مردم، در رسیدگی به شکایات آنان از دستگاه‌های دولتی، تدابیر ویژه‌ای پیش‌بینی نموده است. از جمله مجلس شورای اسلامی در رسیدگی به شکایات مردم از طرز کار مجلس یا قوه مجریه و قوه قضائیه (اصل ۹۰ ق.ا.م.ا)، سازمان بازرسی کل کشور نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین (اصل ۱۷۴ ق.ا.م.ا) و دیوان عدالت اداری به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آن‌ها (اصل ۱۷۳ ق.ا.م.ا) می‌باشد.

از میان این مراجع، دیوان عدالت اداری به‌عنوان یک مرجع قضایی ویژه، نقش به‌سزایی در خدمت‌رسانی به مردم و دفاع از حقوق آنان در برابر تعديات احتمالی مأموران، واحدها و آیین‌نامه‌های دولتی برعهده دارد.

در ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری، دو نوع دعوی پیش‌بینی شده است: یکی، دعوی ابطال یا تجاوز از قدرت و دیگری، دعوی خسارت. در دعوی اول، شاکه

مدعی است که تصمیم یا عمل اداری برخلاف قانون است و از دادگاه می‌خواهد که آن را لغو و باطل سازد. در این دعوی، گرچه شاکی، در اقامه دعوی و بطلان تصمیم یا عمل اداری ذی‌نفع است لیکن خواسته او به‌گونه‌ای است که چنانچه دادگاه حق را به او بدهد و تصمیم یا عمل موردشکایت را لغو و باطل کند، اثر حکم به همه افراد سرایت می‌کند و همه افراد از ابطال تصمیم و عمل اداری مخالف قانون سود می‌برند. به همین جهت، در اصطلاح گفته می‌شود که اثر حکم ابطال، جنبه کلی و عینی دارد و شامل تمام افراد می‌شود.

به‌عکس، در دعوی خسارت، شاکی مدعی است که بر اثر عمل یا اقدام اداره‌ای، حقی از او تضییع شده است؛ مثلاً خسارت مادی و یا معنوی به او وارد آمده است و وقتی دادگاه به سود او حکم می‌دهد، فقط شاکی از آن منتفع می‌شود. هرچند جامعه نیز به سبب استقرار قانون از آن سود می‌برد؛ این نفع یک نفع مستقیم نیست. به همین جهت، گفته می‌شود که دعوای خسارت، یک دعوای شخصی و موضوعی است و اثر حکم به پرداخت غرامت نیز جنبه شخصی و موضوعی دارد.<sup>۱</sup>

همان‌طور که پیش‌تر بیان گردید، واژه شهروند و حقوق شهروندی در ادبیات حقوقی ایران سابقه طولانی ندارد؛ ولی از جهت مفهومی، ایران باستان را پایه‌گذار حقوق شهروندی دانسته‌اند. منشور کوروش، پادشاه هخامنشی، مبادی اولیه و مبانی حقوق بشر و شهروندی را مورد تأیید قرار داده است؛

«منع برده‌داری و به اسارت گرفتن آزادگان، رعایت حقوق کارگران، شرایط مناسب کار، منع نسل‌کشی (در حمله بابل)، تساوی افراد در برابر قانون» در اسناد به‌جا مانده از تخت جمشید، قابل مشاهده است.

در ادبیات فارسی، در آثار نویسندگان و علماء، در اشعار شعرا نظیر استاد سخن «سعدی شیرازی» می‌توان به :

۱. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، *حقوق اداری*، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶، ص. ۴۲۹.

بنی‌آدم اعضای یکدیگرند  
که در آفرینش ز یک گوهرند  
چو عضوی به درد آورد روزگار  
بگر عضوها را نماند قرار

اشاره کرد که به‌صورت اندرزهای اخلاقی و حکمت‌جلوه‌گرند. هرچند ضمانت اجراهای چندانی ندارند اما می‌توان به آن‌ها به‌عنوان وجود و اجرای حقوق شهروندی در آن دوران استناد کرد.

بعد از استقرار حکومت جمهوری اسلامی در ایران و تدوین و تصویب قانون اساسی و متمم آن، در بسیاری از اصول خصوصاً حقوق ملت از «اصل نوزدهم تا چهل و دوم» و سایر اصول و همچنین قوانین عادی کشور، معانی و مفاهیم حقوق بشر و شهروندی کاملاً مشهود است.

از آن جمله، تصویب قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۳ مشتمل بر یک ماده واحده و ۱۵ بند و یک دستورالعمل برای بند ۱۵ که در مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۲۳ مصوب شد و در ابتدا، بخشنامه‌ای بود که از طرف ریاست قوه قضائیه صادر شده بود.

هم‌چنین در قانون برنامه چهارم توسعه؛ در ماده ۱۰۰، دولت را موظف می‌کند؛ به‌منظور ارتقای حقوق انسانی و استقرار زمینه‌های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه ... منشور حقوق شهروندی مشتمل بر چندین محور از قبیل پرورش عمومی قانون‌مداری و تأمین آزادی و صیانت از آرای مردم و تأمین آزادی و امنیت تشکل‌های اجتماعی و حفظ و صیانت از حریم خصوصی تهیه نماید.

در قانون برنامه پنجم توسعه نیز در ماده ۲۱۱ قسمت «د» بندهای اول الی سوم برای حفظ حقوق شهروندی تأکید ویژه‌ای شده و صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران موظف گردیده است تا زمان مناسب برای اجرای بندهای مذکور در اختیار قوه قضائیه، برای آموزش همگانی حقوق شهروندی، قرار دهد.

نتیجه این که حقوق شهروندی، در حقیقت، همان حقوق بشر است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی فرانسه مطرح گردید و مشابهت آن دو آن‌قدر عمیق

می‌باشد که تمایز بین آن‌ها دشوار است و صیانت از حقوق شهروندی و اجرای صحیح آن، وظیفه حکومت است و شهروندان هم به‌عنوان اعضای آن جامعه، مسئولیت‌هایی را در اداره بهتر و ایجاد نظم به‌عهده دارند.

### منابع و مآخذ

- ۱- انوری، حسن، فرهنگ روز سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۳، ذیل واژه.
- ۲- بوشهری، جعفر، حقوق اساسی اصول و قواعد، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
- ۳- رضایی‌پور، آرزو، مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی، انتشارات آریان.
- ۴- رونق، یوسف، قانون برنامه پنج‌ساله پنجم، تهران، انتشارات فرمنش.
- ۵- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران، چ. ۴، ۱۳۸۸.
- ۶- \_\_\_\_\_، حقوق اداری، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- ۷- صدری افشار، غلامحسین؛ و دیگران، فرهنگ فارسی امروز، مؤسسه نشر کلمه، تهران، ۱۳۷۷.
- ۸- کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، تهران، نشر دادگستر، چ. اول، ۱۳۷۷.
- ۹- قاضی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران، نشر میزان، چ. ۸، ۱۳۸۱.
- ۱۰- \_\_\_\_\_، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ. ششم، ۱۳۷۵.
- ۱۱- هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری سیاسی ایران، اصول و مبانی کلی نظام، تهران، نشر میزان، چ. هشتم، ۱۳۸۷.
- ۱۲- \_\_\_\_\_، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان، چ. اول، ۱۳۸۴.